

علوم سیاسی خواندم ، یاد گرفتن نظریه اشخاص که هر روز یک چیز می گفتند برای من هیچ فایده ای نداشت

تازه مسلمان ، رهیافتگان ، مستبصرین

شما مسیحی و کاتولیک بودید چرا از دین خود برگشتید و تغییر دین دادید؟

بله ما کاتولیک بودیم و خانواده من خیلی هم پایبند به اصول دینی بودند اما خودم از تعلیمات مسیحیت قانع نمی شدم همیشه ابهاماتی در ذهن داشتم که در مسیحیت جوابی برای آن نبود؛ البته من ابتدا به سراغ ادیان شرقی و بودایی و هندو رفتم. در زمان مدرسه درباره دین همواره مطالعه داشتم بعد از تصمیم گرفتم تا درباره ادیان بزرگ و الهی تحقیق کنم زیرا می دانستم دارای پیامبر(ص) هستید و حقیقت دارند؛ یعنی اسلام، مسیحیت و یهود ادیانی ساختگی نیستند و جای تامل دارند .

چه چیز تشیع شما را جذب کرد؟

خب دلایل مختلفی داشت اول این که دیدم در میان اهل سنت اختلاف است و هماهنگی نیستند اما در مذهب تشیع و سیره ائمه اطهار این گونه نیست، بلکه برعکس بین ظاهر و باطن شان هماهنگی وجود دارد دوم آن که در مذهب تشیع به حضور و وجود امام زمان(عج) روی زمین اعتقاد دارد در حالی که سایر ادیان معتقدند روزی منجی می آید مثلاً مسیحیان می گویند مسیح می آید یهودیان هم در انتظار منجی هستند همچنین هندوها و بوداییها هم معتقد به منجی هستند اما در میان شیعیان منجی همین جاست و قرار نیست روزی بیاید تنها ما ایشان را نمی بینیم مانند خورشید پشت ابر از نورش استفاده می کنیم برای همین باید چشمان مان به دیدارشان بینا شود این استدلال خوبی برای من بود که تشیع دارای چنین امتیازی است؛ بنابراین هرچه بیشتر می خواندم بهتر و بیشتر متقاعد می شدم که مذهب تشیع کامل تر است ..

پس اولین بار شیعه شدید؟

بله تا زمانی که درباره ادیان مطالعه می کردم گرایش به ادیان شرق داشتم ولی بعد از دیدن خوابی که در آن احساس می کردم کسی من را به ایران و اسلام راهنمایی می کند مطالعاتی درباره تشیع کردم و به خواست خدا جذب اسلام و مذهب تشیع شدم.

در این مسیر فرد یا منبع خاصی هم بر شما تاثیرگذار بوده است؟

روحانی یا کسی را نمی شناختم تا راهنمایم باشد اما قبل از تماس با ایرانی ها و آمدن به ایران، یکی از دوستانم کتاب های پروفیسور هانری کربن را به من معرفی کرد. کربن شخصیتی عالم و آشنا به اهل بیت (علیهم السلام) بود. حقیقتاً از نوشته های کتابهای او به خوبی می شد همه چیز را لمس کرد و به حقیقت اسلام پی برد به نظر من ایشان کار

بزرگی برای ترویج تشیع در جهان کرده‌اند که غیرقابل انکار است.

بعد از تشرف به اسلام عکس العمل خانواده شما چگونه بود؟

مادرم و برادرم زیاد دخالت نمی‌کردند و کاری به این مسئله نداشتند، ولی پدرم خیلی ناراحت شد و مخالفت کرد، زیرا ما کاتولیک بودیم خودش از جوانی دوست داشت کشیش بشود که با وقوع جنگ جهانی و مشکلات ناشی از آن نتوانسته بود به خواسته خود برسد؛ برای همین هم همیشه می‌خواست حداقل یکی از پسرانش کشیش بشوند وقتی من مسلمان شدم با ناراحتی گفت من و اجدادم همه مسیحی هستیم توهم باید مسیحی باشی و قرار نیست از دین و مسلک‌مان بگذری، اما خدا خواست و کم کم بعد از این که ایران آمدم نظرشان نسبت به اسلام برگشت به طوری که پدرم در اواخر عمر گفته بود من هم می‌خواهم مسلمان شوم ولی متأسفانه عمرش کفاف نداد تا شهادتین بگوید.

تغییر دین به زبان ساده است و در عمل مشکلاتی به همراه دارد شما چگونه با این مشکلات کنار آمدید؟

نه اتفاقاً مشکل نیست حداقل برای من مشکل نبود زیرا با مطالعه وارد کار شدم و وقتی از جهت عقلی و منطقی اصول دینی را می‌پذیرد کم کم فهمش هم بالا می‌ود و می‌داند دنبال چیست در نتیجه برای او سخت نیست.

شما شهید ادواردو آنیلی را می‌شناسید؟

نه! با این که هموطن من است چیزی از او نمی‌دانستم؛ شاید باورتان نشود اولین باری که ایران آمدم تازه درباره او مطالبی شنیدم و به خصوص زمانی که مستند ادواردو را از تلویزیون ایران دیدم خیلی ناراحت شدم مظلومانه به شهادت رسید متأسفانه رسانه‌های ایتالیا از ایشان هیچ صحبتی نمی‌کنند و بایکوت خبری وجود دارد.

موج اسلام‌هراسی در ایتالیا به چه صورت است؟

وضعیت ایتالیا نسبت به کشورهای دیگر مثل فرانسه بهتر است، مردم معمولاً تحمل می‌کنند و صبور هستند، خانم من ایرانی است چون حجاب دارد برای خیلی‌ها باعث کنجکاو می‌شود مدام از او درباره حجابش سوال می‌کنند که قبل از این در تلویزیون زنان با حجاب دیده بودند و کنجکاوانه با او برخورد دارند البته برخوردها متفاوت است هم خوب است و هم بد.

فرهنگ مردم ایتالیا به ایران نزدیک است؟

جنوب ایتالیا چون مدتی عرب‌ها و مسلمانان سکونت داشته‌اند تقریباً به فرهنگ ایرانی و اسلامی نزدیک است و البته به دلیل سوابق تاریخی هم می‌باشد اما در شمال چون به

کشورهای اروپایی نزدیک است به فرهنگ غربی تمایل بیشتری دارند.

روحانیون ایرانی در ایتالیا چقدر حضور دارند و فعال هستند؟

تعدادی از روحانیون ایرانی را می‌شناسم، ولی اطلاع چندانی از فعالیت آنها ندارم بعضی را در کنسولگری ایران دیده بودم.

فعالیت تبلیغی وهابیون در ایتالیا به چه صورت است؟

خیلی فعال هستند زیرا از طرف عربستان حمایت مالی و معنوی زیادی می‌شوند. آنها مسجد بزرگی هم دارند، کتاب‌ها و دفترچه‌های زیادی هم منتشر می‌کنند و تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم زیادی دارند اما چون فضای ایتالیا خشونت را نمی‌پذیرد مردم صلح‌جویی هستند وهابیون بسیار با سیاست و آرامش وارد شده اند تنها مشکلی که برای آنها هست این است که زبان‌شان عربی است و کنفرانس‌ها و جلسات‌شان به عربی می‌باشد که مردم متوجه نمی‌شوند.

پس با این وجود رسالت شما مسلمانان در ایتالیا خیلی سنگین ترمی‌شود؟

بله قطعاً برای همین باید از نظر رفتاری و گفتاری خیلی دقت داشته باشیم و هرکاری که انجام می‌دهیم علتش را برایشان بازگو کنیم تا کنجکاوی‌ها برطرف شود مثلاً بحث جهاد که به میان می‌آید بلافاصله می‌گویند این اتفاقات اخیر در دنیا توسط داعش مربوط به شما مسلمانان است، درحالی باید تشریح کنیم این جهاد جهادی اسلامی نیست؛ بنابراین اخلاق و برخورد خوب اهمیت زیادی دارد تا نسبت به دین بد بین نشوند یکی از استادان می‌گفت حالا که در ایتالیا کار می‌کنید چیزی که مهم است اخلاق، اخلاق، اخلاق است زیرا شما نماینده اسلام در ایتالیا هستید و مردم از روی اخلاق و منش شما اسلام شیعی را می‌شناسند.

شما کار تبلیغ هم انجام می‌دهید؟

کار من عمدتاً ترجمه آثاردینی به زبان ایتالیایی است. در ایتالیا هم مردم کنجکاو می‌شوند که چطور یک ایتالیایی مسلمان شده است در نمایشگاه تورینو خیلی‌ها به همین بهانه از من سوال داشتند و درباره فرهنگ اسلامی و ایرانی سوال می‌کردند.

شما به عنوان یک مسلمان خارجی در ایران چه مشکلاتی دارید؟

خدارا شکر همه چیز خوب است ایرانیها مردمانی خوب ومهمان‌نواز هستند حتی همسر هم یک ایرانی است وبه همین خاطر خودم هم ایرانی شده ام.

در شهر ترسیمه زادگاه شما مسلمانان چه وضعیتی دارند؟

مشکل کمبود مالی است اگر حمایت های مالی بیشتر بود قطعاً می توانستند بهتر و بیشتر کارهای فرهنگی و دینی انجام دهند

از طرف کنسولگری ایران حمایت میشوید؟

زمانی یک دستگاه فتوکپی به ما دادند که کمک خوبی برای ما بود ولی قطعاً نیاز به حمایت مالی بیشتری است تا مسلمانان بتوانند روی پای خود بایستند

به عنوان تازه مسلمان خارجی گرایش جوانان ایرانی را به جذب اسلام چگونه می بینید؟

چیزی که برای من عجیب بوده این است بچه های ایرانی نسبت به اسلام ایرانی و فرهنگ معنوی زیاد آشنا نیستند درحالی که آنها روی گنج نشسته اند گنج با ارزش و پنهانی که ظاهراً برای جوانان ایرانی مغفول و ناشناخته است نگاهشان به غرب است و فکر می کنند آنجا خبری است که از آن محروم و غافل مانده اند.

رسانه ها مدام تبلیغ آزادی درغرب رامی کنند و این افراد هم تحت تاثیر قرار می گیرند؛ درحالی که هیچ جای دنیا آزادی مطلق نیست مقایسه آزادی اسلام و غرب را باید برایشان بگویم آنجا هم ممنوعیت و قوانینی حاکم است که باید درچارچوب آن باشند و به آن احترام بگذارند .

خاطره ای از اسلام آوردن دارید؟

وقتی که چند هفته قبل از مسلمان شدن هر جا می رفتم احساس می کردم امام زمان عج با من است همراه من است حضور ایشان را حس می کردم و خوشحال بودم حس خوبی بود اما بعد از آن که مسلمان شدم فهمیدم این ارتباط معنوی بین امام زمان و مسلمانان است پس آن حس برای من خیلی زیبا و دلنشین بود از آن چیزهایی که باید ماندگار شود، همواره به امام زمان متوسل می شوم زیرا حجت حی و حاضر خدا بر روی زمان است و طبق احادیث و روایات ائمه باید با ایشان ارتباط داشت و توسل کرد.